

نقطه عطفی در بحران یمن

کوروش احمدی - کارشناس روابط بین‌الملل

● تسلط شبه‌نظامیان جدایی طلب بر عدن در جنوب یمن را می‌توان نقطه عطفی در بحران سه‌ساله این کشور و مقدمه تجزیه مجدد کشور بعد از ۲۸ سال وحدت به شمار آورد. این شبه‌نظامیان که از نظر عملیاتی، مالی و سیاسی مورد حمایت امارات متحده عربی قرار دارند، به «شورای انتقالی جنوب» تحت رهبری عدیوس الزوبیدی وفادارند که در ۲۰۱۷ ایجاد شد و هدف آن احیای کشور مستقل یمن جنوبی است. زوبییدی مدتی فرماندار عدن در دولت هادی بود. اما بعد از اینکه مشخص شد مورد حمایت امارات است و اهداف جدایی طلبانه دارد، بر کنار شد. برگزاری او و یک وزیر جدایی طلب در فوریه گذشته به‌شدت در امارات مورد انتقاد قرار گرفت و از آن پس رقابت فشرده و علنی بین دولت هادی و امارات در جنوب وارد مرحله‌ای جدید شد. مقامات امارات علنا خواستار برکناری هادی شدند و آن را پیش شرط توفیق در شکست حوثی ها خواندند. اکنون جدایی طلبان که از سوی دولت هادی متهم به کودتا شده‌اند، از برگزاری همه‌پرسی استقلال بدون نیاز به تأیید دولت هادی سخن می‌گویند. اگرچه آنها رسماً از منصورهادی به‌عنوان یک شریک، همچون عربستان، در ائتلاف ضدحوثی اسسم می‌برند، اما روشن است که اولویت آنها از این پس نمی‌تواند ادامه مبارزه با حوثی‌ها و تصرف صنعا باشد.

از طرفی، امارات در حدود دو سال گذشته مخفی نکرده که اولویت‌های خاص خود را در یمن دارد. در کنار خصومت شدید با خوانی‌ها، ازجمله حزب اصلاح، که یکی از دلایل فاصله‌گرفتن از منصورهادی است، این کشور کوشیده از خلا قدرت در جنوب برای تحکیم موقعیت خود استفاده کند. خبرهای تأییدشده حاکی از انجام عملیات نظامی به وسیله امارات در جزیره سوکوترا و اجاره ۹۹ساله این جزیره و جزیره عبدالکوری در مجاورت آن در ۲۰۱۴ از دولت منصورهادی است. امارات انجام عملیات نظامی در سوکوترا را تأیید می‌کند. این دو جزیره که در خلیج عدن واقع‌اند، مدت‌ها در مرکز جنگ قدرت بین دولت هادی و امارات قرار داشته‌اند. در ماه می گذشته امارات تأیید کرد که از این جزیره به‌عنوان پایگاهی برای آموزش نظامی استفاده می‌کند. امارات همچنین حدود یک سال قبل از آن، در قراردادی به مبلغ بیش از ۴۰۰ میلیون دلار بندر بربری در سوماتی لند (نقطه مقابل عدن در شاخ افریقا) را تحت کنترل درآورد. اسارات جزیره کوچک پریم در باب‌المندب را نیز اشغال کرده است. گفته می‌شود امارات حدود سه میلیارد دلار برای اجرای پروژه‌های زیربنایی در جنوب یمن و چند میلیارد نیز برای تجهیز نظامیان و شبه‌نظامیان یمنی هزینه کرده است. هدف از این سرمایه‌گذاری‌های عظیم ظاهراً این است که جنوب یمن دیگر هرگز تحت اداره صنعا قرار نگیرد. ظاهراً یکی از اولویت‌های مهم امارات تأمین امنیت باب‌المندب است که از اهمیت زیادی برای تجارت امارات با اروپا و آمریکای شمالی برخوردار است. این تلاش‌ها امارات با بهارهای و جنبش‌های شیعیان به بحرین شروع شد. اعزام نیروهای اماراتی به بحرین، دخالت در لیبی، حمایت بسیار پر هزینه از السیسی در مصر و نهایتاً اعزام شمار زیادی نیرو به یمن با وجود داشتن ارتشی کوچک (درحالی‌که عربستان مایل به اعزام نیرو به یمن نبوده) ازجمله اقدامات دیگر امارات با اهداف مشابه بوده است. درحالی‌که هدف سعودی‌ها همچنان اعاده حکومت منصورهادی است و معتقدند که صحبت از تجزیه جنوب موجب سلب مشروعیت از تلاش‌های جنگی برای این منظور می‌شود. اقدامات امارات می‌تواند به معنی فاصله‌گرفتن از برنامه‌های عربستان و تمرکز بر جنوب یمن و تفرقه در ائتلاف عربی در یمن و سردرگمی آن درمورد تاکتیک‌ها و استراتژی باشد. منصورهادی که در رأس دولت مورد حمایت یمن قرار دارد، اکنون با دو دشمن مواجه است: حوثی‌ها در شمال و جدایی طلبان در جنوب. به‌علاوه، جنگ قدرت در جنوب بین منصورهادی و جدایی طلبان و قبایلی که از این‌ها با آن طرف حمایت می‌کنند، مشکل دیگری است که از این پس منطقه را تهدید خواهد کرد و طرح‌های عربستان در یمن را به چالش خواهد کشید. سؤال دیگر این است که تجزیه طلبان چقدر خارج از عدن نفوذ دارند. قبایل جنوب تحت حمایت مالی سعودی‌ها یا اماراتی‌ها یا هر دو هستند و القاعده مهم‌ترین برنده این وضع خواهد بود. نکته ناروشن دیگر نظر سعودی‌ها درباره تجزیه یمن است. آنها یک بار در اواسط دهه ۱۹۹۰ در مقام واکنش به حمایت عبدالله صالح از صدام در جنگ کویت، تلاش ناموفقی را برای تجزیه یمن سازمان دادند. اکنون یکی از راه‌های ممکن می‌تواند استقلال جنوب به صورت دوفاکتو و با رضایت تلویحی عربستان و ادامه کار منصورهادی به‌عنوان رئیس‌جمهور اسمی باشد. اما با توجه به اینکه منصورهادی هر دو پایتخت یعنی عدن و صنعا را از دست داده، شانس او برای بازگشت به قدرت تقریباً صفر است. این امر می‌تواند به معنی ورشکستگی سیاست سعودی در یمن هم باشد.

امریکا نیز باید سیاست خود را در قبال این تحولات و سودبردن قطعی القاعده از آن روشن کند. سیاست

کنونی آمریکا که مبتنی بر قطع‌نامه ۲۲۱۶ است،

تطابقی با شرایط کنونی ندارد. مانیجگری سازمان

ملل نیز دیگر فاقد انرژی لازم است. درمجموع، همه

طرف‌ها باید سیاست‌های خود در قبال یمن را مورد

بازبینی قرار دهند.

نگاه

قضات مراقب «شیطان صفتان» باشند

او همچنین در پاسخ به سؤالی مبنی بر ارائه آخرین آمار از قضات متخلف با اشاره به تأکید رئیس قوه قضائیه بر معرفی اسامی و عکس قضات متخلف، گفت: «ما هزار قاضی زحمتکش داریم. به قضات گفته شده که مراقب باشند تا شیطان صفتان آنها را وسوسه نکنند. ممکن است برخی همکاران بگویند این کار به حیثیت قضات ضربه می‌زند، اینجا باید ببینیم معرفی نکردن چقدر ضرر می‌زند، اگر بعد از این هشدارها قاضی یا کارمندی تخلف کند و جرم محرز شود، قطعاً معرفی خواهند شد.» سخنگوی دستگاه قضا در پاسخ به اینکه بهتر نیست درخصوص شکایت‌هایی که نسبت به قوه قضائیه مطرح می‌شود نهاد دیگری قضاوت کند و به این صورت نباشد که قوه قضائیه هم متهم باشد و هم قاضی، عنوان کرد: «این موضوع در تمام دنیا این‌گونه است. کشورها دو دستگاه قضا ندارند. در قوه قضائیه بر اساس قانون اساسی این مسائل روشن است. در قوه خود قضائیه هم این مسئله روشن است که چه قاضی‌ای حق رسیدگی به چه پرونده‌ای را دارد.» او ادامه داد: «دراین‌خصوص قانون اساسی و قوانین موضوعه مسائل را روشن کرده و خدشه‌ای دراین باره مطرح نیست. اگر علیه قوه قضائیه یا یک قاضی شکایتی شود و اینکه چگونه به این موضوع رسیدگی می‌شود، مسائلی روشن است. یک تشکیلات خارج از قوه قضائیه این موضوع را رسیدگی نمی‌کند و سازوکار رسیدگی دراین باره در قوه قضائیه روشن و مشخص است.»

کیفرخواست برای ۱۲۰ نفر در تهران

خبرنگاری از سخنگوی دستگاه قضا پرسید که در ناآرامی‌های اخیر آیا گروهی به عنوان عامل این اتفاقات شناسایی شده‌اند و آیا در این اتفاقات جریان‌ات سیاسی مطرح مداخله داشته‌اند یا خیر، که محسنی اژه‌ای پاسخ داد: «عاملی که بگوییم راس امور بوده یا یک نفر که در تمام استان‌ها و شهرستان‌ها در رأس موارد بوده چنین چیزی سراغ ندارم و نشنیده‌ام. اینکه برخی جریان‌ات سیاسی ممکن است بستری ساخته و حرف‌هایی زده که غیرمستقیم کمک‌کننده به این موضوع باشند، چنین

ادامه از صفحه ۶

فردا هم پاسخ شورای نظارت رسماً منتشر شد که گفتند انتخاب مجری با رئیس صداوسیماست. من آن شب به خاطر مردم کوتاه آمدم. آقای روحانی به جای اینکه بگوید تشکر می‌کنیم، ظاهراً یک مشکل قانونی پیش آمده بود و رفع شد. با یک خنده مغرورانه خطاب به خانم پورایمن از موقعیت‌شان در عقب‌راندن صداوسیما گفتند انگار که شاخ غول را شکسته‌اند. آیا این برای رئیس‌جمهوری افتخار است؟ در سازمان این حرکت من مثبت واقع شد و همه گفتند اگر زمانش برسد رئیس سازمان برای استقلال آن می‌ایستد. من در دوران ریاستم بر سازمان خیلی تحول ایجاد کردم. خیلی از نوآرها را از آرشیو بیرون کشیدم. از دفاعیات خسرو گلسرخی بگزیدی تا راهپیمایی گروه‌های چپ و مارکسیست و شخصیت‌های دولت موقت. اصلاً معتقد بودم که ما محرمانه به این صورت نداریم. الان هم اینکه برخی انتقاد می‌کنند که این نوار ۲۰ دقیقه‌ای از جلسه خبرگان درباره رهبری بیرون رفته و برخی شایعه‌سازی کردند که این رهبری موقت بوده که اصلاً حقیقت ندارد. صحبت‌های آقای مشکینی هست و حتی آقای عطالله مهاجرانی هم تویت کرد و همین را گفت و از افتخارات رهبری نظام است که وقتی می‌خواهد انتخاب شود؛ مثل بزرگان تاریخ اسلام می‌گوید الان که شما اصرار می‌کنید، حجت تمام می‌شود. رهبری همه حرف‌ها را همان زمان می‌زند. برخی می‌گویند این نوارها محرمانه بوده؛ درحالی‌که این‌طور نیست.

اگر از نظر صداوسیما محرمانه نبود، چرا هیچ وقت منتشر نشد؟
معتمد هیچ‌کدام از این نوارها مشکل ندارد. یعنی اگر این نوارها پخش شود، بسیار هم خوب است. من وقتی می‌خواستم دفاعیات خسرو گلسرخی را پخش کنم، خیلی‌ها مقاومت کردند و گفتند این کار را نکن. من فکتم اتفاق یک مارکسیست لنینیسم از امام علی و امام حسین و جنایات شاه سخن می‌گوید؛ خیلی خوب است و مقوم انقلاب است.

چرا مذاکرات خبرگان هیچ وقت زمان شما کامل منتشر نشد؟
شاید مثلاً آن علاقه احساس نمی‌شده است. شاید فکر نمی‌کردیم که پخش مشروح جلسه خبرگان خوب و پرمخاطب باشد.

اگر مسئله این است که از صداوسیما بارها بخشی از این مذاکرات به‌ویژه آن تکه صحبت‌های آخر آقای هاشمی پخش شده بود. حتی در همان آیت‌های پخش شده هم الان که نوار کامل منتشر شده، متوجه می‌شویم که جاهایی کات و بعد جابه‌جایی صورت گرفته است، یعنی حتی ترتیب را هم به هم زده بودند.

سانسور نیست. جایی برنامه‌سازی می‌شود. بخشی از صحبت‌ها، طرف را استفاده می‌کنند؛ به شما بگویند برنامه‌سازی‌های جهت‌دار، یعنی حرفمان را دقیق کنیم. اصلاً سانسور معنی ندارد.

خب پس شما با همین عبارت «برنامه‌سازی‌های جهت‌دار» در صداوسیما موافق هستید؟

اجازه بدهید. مادر به بچه گفت قربان چشم بادامی‌ات، بچه گریه کرد و گفت بادام می‌خواهم. نه من دارم شما را راهنمایی می‌کنم که شفاف بر بنیم. الان شما بگویید یک کانال بگذاریم که همه مذاکرات مجلس خبرگان را از ابتدا تا آخر پخش کنند. اتفاق بد هم نیست. روز دوم همه حوصله‌شان سر می‌رود، می‌گویند همه صحبت به ما چه؟ روز دوم همه می‌زنند کانال دیگر فوتبال یا کارتون می‌بینند.

پس چرا الان این همه در کانال‌ها پخش شد و استقبال شد و دیده شد.
آفرین. شما رسانه‌ای هستید. به دلیل اینکه یک قرائت کاملاً ضدانقلابی از آن درآوردند و گفتند این رهبری موقت است و این هم

سیاست

سخنگوی قوه قضائیه تشریح کرد

سرنوشت دستگیرشدگان پروژه «بی‌حجابی»



چیزی مطرح است، اما فردی به صورت عامل این موضوع سراغ ندارم و چنین چیزی نشنیده‌ام.» او با بیان اینکه افرادی دستگیر شدند که عمدتاً با قرار آزاد شدند، گفت: «در حال حاضر ۲۴۵ یا ۲۴۶ نفر در بازداشت هستند و در تهران برای ۱۲۰ نفر کیفرخواست صادر شده و اکنون سه یا چهار نفر آزاد نشده‌اند.»

«باقر نمازی» به صورت دائم مرخص نشده است

محسنی اژه‌ای درباره پرونده باقر نمازی هم گفت: «ایشان آزاد نشدند و مانند هر زندانی به مرخصی آمده است. مرخصی او سه روز بوده و تقاضا کرده که نیاز است به پزشک مراجعه کند و به همین نیاز است که مرخصی‌اش تمدید شود که بر همین اساس مرخصی او سه روز دیگر تمدید شده است. گمان می‌کنم مرخصی وی تمام شده است.» او درباره اینکه آیا آزادی دائمی وی مطرح نبوده است؟ گفت: «خیر»

او در پاسخ به این سؤال که در ابتدا قرار بود دادگاه رسیدگی به پرونده حمید بقایی علنی برگزار شود، آیا این موضوع صحت دارد یا فقط ادعایی از طرف بقایی بوده است؟ عنوان کرد: «از ناحیه قاضی این موضوع اعلام نشده بود و اگر حرفی هم از طرف دیگران مطرح شود به ما مربوط نیست.»

اصلا من اصولگرا نیستم

سندش. همه رفتند نگاه کردند ببینند چیست. بعد که دیدند متوجه شدند که این اتفاقات فقط تواضع رهبری در این خصوص است. به این دلیل یک نوار چنددقیقه‌ای میلیون‌ها بار دیده می‌شود.

ا تلویزیون که زیاد سخنرانی‌های طول پخش می‌کند، این را هم می‌توانست پخش کند.

این الان سلیقه شماست. من سلیقه شما را از همین تریبون منتقل می‌کنم. می‌گویم شاید سلیقه خانم جزینی، نماینده سلیقه جمع بزرگ‌تری باشد. یکی از کانال‌ها منسروح مذاکرات مجلس خبرگان را پخش کند. خیلی هم خوب است. من الان حرف شما را می‌پسندم.

ا من مثالی از آقای رمضان زاده برای شما می‌زنم. ایشان معتقد بودند که سال ۸۴ اصلاح طلبان به صداوسیما باختند نه احمدی‌نژاد؛ به این معنی که صداوسیما کاملاً پشت آقای احمدی‌نژاد بود. مثال معرفی دارند، می‌گویند در پربیننده‌ترین ساعات خبری به مدت طولانی صداوسیما راه‌اندازی یک بله‌برقی معمولی در تهران را به‌عنوان دستاوردهای آقای احمدی‌نژاد با آب و تاب پخش کرد اما راه‌اندازی یک نیروگاه برق آبی با سرمایه هنگفت که ایران را در زمینه تکنولوژی به‌کاررفته در آن جزء چند کشور نخست دنیا می‌کرد و بسیار مهم بود. فقط یک بار در ساعت خبری آخر شب و خیلی کوتاه منتشر کرد. من معتقدم که از این دست موارد ما بسیار بسیار زیاد در صداوسیما داریم.

شاید حرف آقای رمضان زاده که دوست من است، درست باشد. ممکن است در یک بخش خبری این‌طور بوده است. البته یک چیز دیگری هم بگویم، گفته بودم بعد از چند خبر سخت، یک خبر نرم و متفاوت بروید که ذهن‌ها تلطیف شود و مجدداً دوباره اخبار جدی پخش شود. البته آقای رمضان زاده اگر معتقد است تلویزیون در سال ۸۴ رئیس‌جمهوری تعیین کرد، یعنی ضرغامی این قدرت را داشت که رئیس‌جمهوری تعیین کند، این برای من شخصاً خیلی خوب است! اگر من چنین توانی داشته باشم که مردم به آن فردی که می‌گویم، رای بدهند. درحالی که من واقعا چنین توانی ندارم.

ا می‌گویند دو نفر قدرتشان واقعی است. کسی که کلید صداوسیما را دارد و دومی کسی که کلید اوین را.

خاطرم هست است یک بار هم یک اختلاف جدی با آقای آملی لاریجانی پیدا کردم. ایشان از دست ما ناراحت شد و گفت اگر این‌طور می‌خواهید اخبار من را پوشش بدهید، دیگر نیایید. قهر کرد و گفت دیگر دوربین‌های صداوسیما را در جلسه شورای عالی قضائی راه ندادند. فکر می‌کردند که الان همه می‌آیند و این مشکل را حل می‌کنند، دیدند نه آب از آب تکان نخورد. از سایت خودشان خبر مکتوری را برداشتیم. تصاویر هم آن قدر ثابت و کلیشه‌ای بود که هیچ ضرغامی این نداشت. اگر شما تصاویر پنج سال گذشته شورای عالی قضائی را هم دنبال کنید، تفاوتی حس نمی‌کنید. خبر ایشان هم مثل باقی خبرها یک خبر رسمی بود. هیچ کسی هم نفهمید و دفعه بعد هم گفتند تشریف بیاورید.

ا گلایه ایشان چه بود؟

امثال گلایه‌هایی که روحانی یا اصلاح طلبان دارند. گلایه، گلایه است اما آن خبر خاص این بود که چرا شما خبر من را بعد از خبر اسب‌های ترکمن صحرا رهاتدیه. یک گزارش خیلی قشنگ از مسابقات بین‌المللی کورس اسب‌دوانی در گنبد رفته بودیم که جایگاه بالایی هم داشت. بهترین تصاویر از اسب‌ها و طبیعت پخش می‌شد و بعد از آن، خبر آقای آملی پخش شد. ایشان احساس می‌کرد به ایشان اهانت شده است! هراب من را می‌دید. می‌گفت آقای ضرغامی این اسب‌های گنبد قبل از خبر من رفته و به قوه قضائیه بی‌احترامی شده است. شنیدم که ایشان به رهبری هم گلایه کرده بودند و مطمئن نیستم ظاهراً رهبری به

او، دومیلیارد و ۶۶۰ میلیون یورو بوده است که ۶۵۰ میلیون یورو را قبلاً پرداخته و یک دکل هم به ارزش ۷۹ میلیون دلار پرداخت کرد. حدود ۶۰۰ و اندی میلیون یورو نیز نفت به یک شرکت خارجی فروخته که بدهکار است و طرح دعوا شده و باید دید به پول می‌رسد یا خیر.»

سخنگوی قوه قضائیه ادامه داد: «۱۶هزار و ۵۴۰میلیارد و ۷۵۳ میلیون ریال هم اموالی است که از وی شناسایی و طبق نظر کارشناسی قیمت‌گذاری شده است. اقدامات دیگری نیز صورت گرفته است. شرکت نفت می‌گوید ایسن مبالغ کل طلب را پوشش نمی‌دهد که درست هم می‌گوید و مدعی است تأخیر در پرداخت هم باید لحاظ شود که می‌تواند دادخواست بدهد؛ بنابراین نهایت تلاش صورت گرفته و بخش عمده‌ای هم تا الان وصول شده است و هنوز هم تلاش‌ها ادامه دارد و چنین نوبت برای شناسایی اموال هیئت‌هایی به خارج از کشور اعزام شده‌اند.»

روایت قوه قضائیه با وزارت اطلاعات سرد نیست

سخنگوی دستگاه قضا درباره مدیران دوتابعیتی نیز گفت: «باید توجه کرد درباره این افراد دوتابعیتی قانون ما تابعیت مضاعف را نمی‌پذیرد و با این وجود حق کار دولتی ندارند. دادستان کل دنبال این موضوع است. افرادی در این خصوص که مطمئن هستیم دوتابعیتی هستند، پس از اینکه سازمان بازرسی کل کشور و دستگاه‌های نظارتی تذکر دادند، برکنار شدند؛ اما اینکه هنوز افراد دوتابعیتی‌ای که شاغل در نهادهای دولتی هستند، وجود دارد یا خیر اطلاعی ندارم.»

خبرنگاری از محسنی اژه‌ای پرسید چرا ارتباطاتن با وزارت اطلاعات خوب نیست، دادستان کل گفته وزارت اطلاعات اسامی دوتابعیتی‌ها را به ما نمی‌دهد. او پاسخ داد: «وزارت اطلاعات در جایی ضابط قوه قضائیه است و وظیفه دارد در مقام ضابط، زیر نظر قاضی باشد؛ اما در برخی موارد به‌عنوان ضابط قوه قضائیه شناخته نشده است. روابط ما سرد نیست؛ اما در خصوص دوتابعیتی‌ها، بحث اختلافی است که دوتابعیتی هستند یا نیستند، شاغل هستند یا نیستند. بعید می‌دانم که شاغلی دوتابعیتی باشد و وزارت اطلاعات نخواهد به دادستان گزارش دهد.»

خبرنگاری از محسنی اژه‌ای پرسید چرا ارتباطاتن با وزارت اطلاعات خوب نیست، دادستان کل گفته وزارت اطلاعات اسامی دوتابعیتی‌ها را به ما نمی‌دهد. او پاسخ داد: «وزارت اطلاعات در جایی ضابط قوه قضائیه است و وظیفه دارد در مقام ضابط، زیر نظر قاضی باشد؛ اما در برخی موارد به‌عنوان ضابط قوه قضائیه شناخته نشده است. روابط ما سرد نیست؛ اما در خصوص دوتابعیتی‌ها، بحث اختلافی است که دوتابعیتی هستند یا نیستند، شاغل هستند یا نیستند. بعید می‌دانم که شاغلی دوتابعیتی باشد و وزارت اطلاعات نخواهد به دادستان گزارش دهد.»

ایشان فرموده بودند شاید خبر اسب‌ها خیلی مهم‌تر از خبر شما بوده که جلوتر رفته‌اند. اصلاً بحث مهمی و غیرمهمی نیست. از نظر ما چینش

خبر از اهمیت حرف‌های خاص خود برخوردار است.

ا در باره حجاب در صداوسیما هم می‌خواهم از شما سؤال کنم. این خیلی در بین مردم جا افتاده که می‌گویند صداوسیما در زمان‌های خاص مانند انتخابات تصاویر خانم‌هایی را که حجاب کامل ندارند کاملاً پخش می‌کند، اما در زمان‌های دیگر نه. ماجرا چیست؟
مسئله خیلی ساده است؛ ماجرای در کار نیست. زمانی که صداوسیما برنامه‌سازی می‌کند، چون باید الگو معرفی کند و الگوهای صداوسیما برای نسل‌های جدید است، باید حجاب متعارفی را معرفی کند تا الگو شود. دستگاه‌های نظارتی حتی به همین حجاب هم ایراد می‌گیرند که آن‌طور که شایسته است در برنامه‌ها و نمایش‌ها رعایت نمی‌شود. اما در مقام نشان‌دادن واقعیت رای‌دارن مردم و راهپیمایی که بستر کار حضور انبوه مردم است حساسیت کثرتی به خرج داده می‌شود.

ا بحث همین است که آیا این مردم فقط زمان انتخابات مردم هستند؟ در سایر گزارش‌های تلویزیونی شما این مردم با حجاب کامل دیده می‌شوند فقط در زمان‌های خاصی افسردای با حجاب‌های متفاوت نشان داده می‌شوند، در ضمن حالا به نظراتان گویی که داده‌اید مؤثر بوده؟

حتماً مؤثر دارد. سیمای جمهوری اسلامی باید سیمای الگو معرفی کند.

ا آیا سیمای ملی نباید بازتاب‌دهنده سبک‌های زندگی همه ملت باشد؟ بازتاب‌دهنده واقعیات جامعه باشد؟

بله لازم است. یک جایی باید الگو ارائه بدهید.

ا اینکه صداوسیما وظیفه دارد الگو معرفی کند را کجا گفته‌اند، در اساسنامه سازمان است؟
بله. در اساسنامه و مرامنامه سازمان همه این ضوابط وجود دارد. این‌قدر از این چیزها دارد. زیادی دارد. همه‌جا هم دارند. شبکه رسمی تلویزیون ترکیه هم به‌وضوح ضوابط نظارتی‌اش متفاوت از باقی شبکه‌های ترکیه است. ببینید من تصاویر زیادی دارم از همان خانم‌هایی که در گوشه تظاهرات بودند یا رفته‌اند رای بدهند که پخش نشده است، یعنی خیلی از ترانس خارج بوده است! اصلاً خیلی‌وقت‌ها سر صندوق‌ها یا با مراسم عمومی، مردم اگر بیشتر دیده می‌شوند با این تحلیل است که ما بگوییم در این بستری که همه می‌آیند رای می‌دهند پشتوانه نظام و انقلاب هستند. اگر مقداری فضا بازتر است توجیه دارد که این جمعیت با این مشخصات آمده‌اند که رای بدهند.

ا مثلاً گلایه‌هایی که مردم از این رفتارشان دلخورند و فکر می‌کنند که از آنها استفاده ابزاری می‌شود؟
صراحتاً موضعم را گفتم و اصلاً فکر نمی‌کنم که استفاده ابزاری است. یک موقع است با یک فرد صحبت می‌کنیم. بدحجاب هم نشان می‌دهیم. اما در یک قاب بسته سعی می‌کنیم چارچوب‌ها را رعایت کنیم، اما وقتی یک جمعیت زیادی می‌آیند و آن جمع از نظر تصویری اولویت دارد، اگر کسی بدحجابی دارد نشان می‌دهیم. فاصله‌اش آن‌قدر نیست.

رویداد

نظارت غیرصنفی بر انتخابات صنفی وکلا

لیدا عسکرنیا - وکیل دادگستری

● در خبری عجیب اعلام شد چند نفر از وکلای کانون وکلای دادگستری مرکز ازسوی دادگاه عالی انتظامی قضات برای نامزدی در انتخابات هیئت‌مدیره کانون وکلا رد صلاحیت شدند. این یادداشت بر چربی رد صلاحیت‌ها یا حتی دلایل رد صلاحیت‌ها نظر ندارد. پرسش مهم این است چرا باید دادگاه عالی انتظامی قضات مرجع تعیین‌کننده صلاحیت برای صنفی باشد که کارکرد آن صنف این است که بعضاً در تقابل با نظرات قضا محترم باشد. قاضی و وکیل هر دو در یک بستر رشد می‌کنند، هر دو در یک رشته تحصیل می‌کنند و کار آنها آن‌قدر به هم نزدیک است که حتی آن دو را بد بال فرشته عدالت تلقی می‌کنند. پس چه اتفاقی می‌افتد که یکی برای دیگری می‌تواند ارزش‌گذاری اخلاقی یا حرفه‌ای بکند و اساساً خود مرجع ارزش‌گذاری شود! معیار برتری این نهاد بر دیگری که می‌تواند باشد؟ در ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، تعدادی شرایط عمومی ذکر شده که کمابیش در صنوف دیگر نیز وجود دارد؛ اما اینکه برابر تبصره یک ماده ۴ همان قانون مرجع رسیدگی به صلاحیت وکلا برای عضویت در هیئت‌مدیره کانون را دادگاه عالی انتظامی قضات قرار داده است و در نهایت تعیین‌کننده صلاحیت اعضا، هیئت‌مدیره کانون وکلای یک نهاد غیرمرتبط باشد، جای تأمل بسیار دارد و با منطق حقوقی و مفهوم عدالت به مفهوم امروزی آن مطابقت ندارد. در مقام مقایسه، در انتخابات سازمان نظام پزشکی، هیئتی که مرکب از یک نفر نماینده دادستان کل کشور، یک نفر نماینده وزارت کشور و دو نفر از کادر پزشکی به انتخاب و معرفی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در امر تعیین صلاحیت‌ها دخالت دارند. یعنی حداقل دو نفر از جامعه پزشکان به نمایندگی از همکارانشان در این هیئت حضور دارند تا بتوانند ضمن نظارت بر روند تعیین صلاحیت با حق رای در صورت لزوم همکاران خود را در جریان امور قرار دهند و شفاف‌سازی کنند. شاید به این شیوه نیز صاحبان مشاغل پزشکی ایرادهای موجهی وارد کنند، ولی حداقل می‌توان گفت سازوکار دموکراتیک‌تری دارد. حال در آن سو کانون وکلا به‌عنوان نهادی که کارکردش با مفاهیم عدالت و قانون درهم‌تیده شده است اگر نتواند حتی یک عضو در دادگاه عالی انتظامی قضات برای تعیین صلاحیت نامزدهای انتخاباتی خود داشته باشد مورد نقد جدی است. این شیوه شائبه سیاسی‌بودن رد صلاحیت‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی را ایجاد می‌کند. بر فرض که همین مقررات قابل نقد برای کانون‌های وکلا را بپذیریم؛ دلیل اینکه نباید معیارهای مشخصی تعیین شود که همگان بدانند شرایط و ارزش‌های موردنظر دادگاه انتظامی قضات چیست، چه می‌تواند باشد؟ چرا دلایل رد صلاحیت نباید اعلام شود؟ و نکته آخر اینکه اعضای هیئت بررسی چه کسانی هستند؟ دنیای امروز عصر شفافیت اطلاعات است و نمی‌توان در نهان تصمیمات اساسی برای نهادهای قضات به نقش بسیار اثربخش‌کننده‌ای در تعاملات اجتماعی و حقوقی جامعه ایجاد می‌کند. طبیعی است وکلا تمایل دارند امور صنفی خود را به اشخاص خردمند باکفایت و پادربایت و دلسوز و دارای بنیه فکری و عملی واگذار کنند. مدیریت مجموعه عظمی به نام کانون وکلا نیازمند اشخاص توانمند است. تشخیص این معیارها باید به خود وکلا واگذار شود که صاحبان اصلی این صنف هستند. بدیهی است آنها با تعاملی که در زندگی حرفه‌ای خود با همکاران خود دارند بهتر از هر شخص خارج از این مجموعه قادر به تشخیص اشخاص ذی‌صلاح رای مدیریت صنفشان هستند.

ادامه از صفحه ۴

بدحجابی شرعی و مجازات قانونی

همچنین دادستان تهران از وتیقه ۵۰۰میلیون تومانی دختری که بعد از اعتراضات دی‌ماه مورد تعقیب قرار گرفت خبر داد. حال سؤال این است؛ اگر اتهام دختر مورد بحث منسوب ماده ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن باشد، با میزان مجازاتی که دادسرا بعد از صدور کیفرخواست است دادگاه درخواست تادیب، تناسی ندارد، زیرا حسب تبصره ذیل ماده ۶۲۸، مجازات زنسی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، حبس ۱۰ روز تا دو ماه است یا جزای نقدی از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال، یعنی دادگاه می‌تواند متهم را به یکی از دو مجازات یا حبس داکتر تا دو ماه یا جزای نقدی داکتر تا ۵۰۰ هزار تومان محکوم کند. وتیقه ۵۰۰ میلیون تومانی که به علت عجز از تودیع آن به‌وسیله متهم در حکم بازداشت موقت است، تناسی با اتهام تناسبی ندارد مگر اینکه در کیفرخواست اتهام یا اتهامات دیگری متوجه متهم شده باشد. حال که موضوع حساس شده لازم است تعریفی حقوقی از حجاب شرعی داشته باشیم تا در مواردی که زنان و دختران روستری خود را برنمی‌دارند، اما نوع پوشش آنان مورد ایراد مأموران قرار می‌گیرد، تعریف واحدی از حجاب شرعی داشته باشیم. این مسئله، چالشی است که باید آن را به‌نوعی مدیریت کرد که به تقابل بین دختران و دستگاه قضائی و ضابطان آن تبدیل نشود.